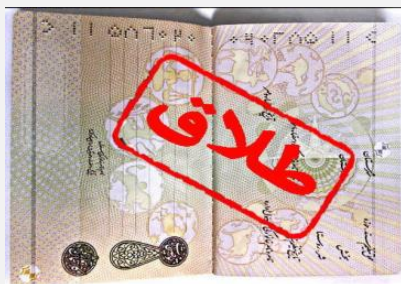


چند درصد افراد، دید خوبی به طلاق دارند؟



یک مطالعه پژوهشی تأثیر سبک زندگی زوجین بر نگرش آن‌ها به پدیده طلاق را مورد بررسی علمی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که بیش از ۶۳ درصد زوجین متقاضی طلاق، نگرشی مثبت به این پدیده دارند.

یک مطالعه پژوهشی تأثیر سبک زندگی زوجین بر نگرش آن‌ها به پدیده طلاق را مورد بررسی علمی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که بیش از ۶۳ درصد زوجین متقاضی طلاق، نگرشی مثبت به این پدیده دارند.

به گزارش ایسنا، در بین نهادهای اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت و هویت اجتماعی- فرهنگی انسان‌ها اعم از آموزش و پرورش، حکومت، دین، رسانه‌ها، جمعیت، اقتصاد و گروه‌های هم‌تایان به‌جرات می‌توان گفت که نقش خانواده بی‌شک و غیرقابل جایگزین است. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند از پیچ‌های سخت و طاقت‌فرسای رشد و توسعه به‌سلامت عبور کند، مگر آنکه از خانواده پویا و توانمند برخوردار باشد. درواقع، خانواده همچون آئینه، انعکاس‌دهنده و بازتابی از شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه است.

بنا بر گفته محققان، طلاق جنبه دیگری از این واقعیت است که هیچ فرد، گروه و جامعه‌ای از پیامدهای آن مصون نیست. جامعه ایران به‌عنوان جامعه در حال گذار و در تلاطم ساخت‌های دوگانه سنت و گرایشی و مدرنیته، در حال تجربه شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ویژه‌ای است که آن را در معرض آسیب‌ها و مسائل اجتماعی جدیدی قرار داده یا آنکه به آسیب‌های سنتی آن گستره و عمق بیشتری بخشیده است که از آن جمله می‌توان به روند رو به افزایش طلاق در جامعه اشاره کرد. با توجه به رو به افزایش بودن طلاق، می‌توان گفت طلاق در جامعه تبدیل به یک مسئله اجتماعی شده است.

به‌منظور بررسی دقیق‌تر این موضوع، محققین دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز در مطالعه‌ای کاربردی، به تبیین جامعه‌شناختی تأثیر سبک زندگی بر نگرش به طلاق در بین زوجین پرداخته‌اند.

به گفته این محققین، از طریق مطالعه سبک زندگی و بررسی رابطه آن با نگرش به طلاق می‌توان از نگرش‌ها، هنجارها و ارزش‌های پنهان که در ذهن، باور و کردارهای افراد وجود دارد، اطلاع یافت و از جهت‌گیری‌ها و الگوهای موجود یا در حال شکل‌گیری، تفسیر و تصویر واقع‌بینانه‌تری ارائه داد.

در این پژوهش، ۲۸۲ نفر از زوجین متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مراکز بهزیستی گیلان مشارکت داشته‌اند و به پرسشنامه‌های نگرش به طلاق، سرمایه فرهنگی و اقتصادی و سبک زندگی پاسخ داده‌اند. محققان سپس، داده‌های حاصله را با استفاده از روش‌های آماری و به کمک کامپیوتر، تجزیه و تحلیل کرده‌اند.

نتیجه بررسی‌های این تحقیق نشان می‌دهد که ۳۰۵ درصد از زوجین متقاضی طلاق، نگرش منفی به طلاق داشته، ۳۳۰۴ درصد نگرش نه موافق و نه مخالف (بینابینی) به طلاق دارند و ۶۳۰۱ درصد نیز دارای نگرش مثبت به طلاق هستند.

بر این اساس، سطوح نگرش حاصله به طلاق، تصویر جامعه‌ای را منعکس می‌کند که دچار نوعی بحران خانواده‌گرایی است، واقعیتی که با وضعیت آماری طلاق در کشور و استان‌ها قابل توجیه است. وضعیتی که اگر ابعاد و دامنه طلاق عاطفی یا زندگی‌های خاموش را به آن بیفزاییم، گستره دردناک‌تری به خود خواهد گرفت.

آن‌چنان‌که رضا جعفری سدهی، محقق جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران از گروه علوم اجتماعی واحد تهران مرکز دانشگاه آزاد اسلامی و همکارانش می‌گویند: «به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش طلاق در جامعه ایران، تغییر در معنا و اهداف زندگی زناشویی است. همچنین نتیجه

تحقیق نشان می‌دهد که با افزایش سرمایه فرهنگی پاسخگویان، میزان نگرش افراد به سبک زندگی مدرن افزایش می‌یابد. یعنی با افزایش سرمایه فرهنگی، سبک زندگی پیچیده‌تر می‌شود. نکته‌ای که در این رابطه حائز اهمیت است آن که سرمایه فرهنگی مولد منش و عادت واره خاصی در افراد هست یعنی به تناسب وجود سرمایه فرهنگی، سبک زندگی خاصی نیز در زوجین به وجود می‌آید؛

چه زمانی نگرش به طلاق مثبت می‌شود؟

این محققان دانشگاهی اعتقاد دارند: بررسی فرضیه‌های تحقیق، حاکی از آن است که سبک زندگی، بر نگرش زوجین به طلاق تأثیر می‌گذارد، به گونه‌ای که با افزایش میزان نگرش افراد نسبت به الگوهای مدرن سبک زندگی، نگرش به طلاق نیز مثبت‌تر می‌شود. بهترین تفسیری که می‌توان نسبت به وجود این رابطه داشت آن است که سیر تغییر سبک‌های زندگی و ورود سبک‌های جدید زندگی، موجب تغییر و تهدید فرهنگی، فردی شدن و افزایش شکاف‌های اجتماعی، رواج مصرف‌گرایی، ازهم‌پاشیدگی شبکه‌های سنتی و درنهایت بحران هویت فردی و اجتماعی افراد می‌شود. در این وضعیت، افراد هویت خود را به جای منابع سنتی از خلال مصرف کالاها و سبک‌های گوناگون زندگی کسب می‌کنند؛

طبق نظر محققان فوق، نتیجه آن می‌شود که اگر سبک زندگی را طیف رفتاری تعریف کنیم که اصلی انسجام بخش بر آن حاکم است، می‌توان پذیرفت که سبک زندگی، همان گونه که حامل معانی و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی خاصی هست، هم‌چنین عامل و موجد نظام فکری، نگرشی و باورها و اعتقادات خاص نیز هست که دامنه اثرات آن تنها به حوزه مصرف محدود نخواهد شد، بلکه تمامی قلمروهای زندگی فردی و اجتماعی را نیز در بر خواهد گرفت.

جعفری سدهی و همکاران محققش ادامه می‌دهند: اگر بپذیریم، سبک زندگی جنبه عینی و بروز خارجی رفتار انسان‌ها در حوزه‌های چون مدیریت بدن، مصرف محصولات فرهنگی، نحوه پوشش، الگوی تغذیه و ... است که بر اساس ساختمان ذهنی یا عادت واره کنش‌گران در طی فرایند جامعه‌پذیری یا درونی کردن ساختارهای جهان اجتماعی بر پایه موقعیت آن‌ها (مبتنی بر سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی) در درون فضاهای اجتماعی شکل می‌گیرد و به واسطه آن کنشگران قادر می‌شوند، جهان اجتماعی را درک کنند، بفهمند و آن را مورد ارزیابی قرار دهند، بر این اساس می‌توان پذیرفت که سبک‌های زندگی دربردارنده معانی گوناگونی هستند، یعنی هم دربردارنده ارزش‌های خاصی‌اند که هر کنشگر به‌طور ضمنی مدنظر دارد و هم آن‌ها که بازتاب‌دهنده ارزش‌ها و هنجارهای ویژه یک جامعه هستند که افراد بر اساس جهان ذهنی شکل‌گرفته در آن به سبک‌های زندگی ویژه‌ای گرایش می‌یابند؛

بر همین اساس می‌توان گفت که پایداری و استواری زندگی زناشویی و حتی فراتر از آن شیوه‌های همسرگزینی نیز متأثر از سبک‌های زندگی و ارزش‌های ملهم از آن خواهد بود.

به گفته مجریان این پژوهش: نکته دیگر آن‌هاست که شاید از یک منظر، تلون و تنوع سبک‌های زندگی، نشانگر پویایی و زنده بودن جامعه تلقی شود لیکن از سویی دیگر، در صورت عدم فهم یا بدفهمی تغییرات حادث‌شده و همچنین عدم مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی متناسب، این عامل می‌تواند موجد بحران هویت فرهنگی گشته یا آن‌ها که بر دامنه بحران فرهنگی در جامعه افزوده، انسجام و یکپارچگی نظام ارزشی جامعه را مختل و متعاقب آن گستره‌ای از آسیب‌ها و مسائل اجتماعی ازجمله طلاق را گسترش دهد؛

این یافته‌های فرهنگی اجتماعی ارزشمند، در پژوهشنامه مددکاری اجتماعی؛ که فصل‌نامه رسمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است، انتشار یافته‌اند.